



دکتر محمدعلی مهدوی راد از روش تفسیری و درس‌های قرآنی میرزا جواد آقا می گوید

تجلی روح قرآن در جان میرزا



دکتر محمدعلی مهدوی راد
عضو هیئت علمی
دانشگاه تهران

بندۀ تحصیل کرده حوزه خراسان هستم و سال‌های ابتدایی تحصیلم را در خراسان بودم. از این جهت آشنایی من با میرزا جواد آقا تهرانی رابطه استاد و شاگردی است. ایشان تفسیر بسیار اثرگذار و مهمی را صبح‌ها ساعت ۷ ارائه می‌داد که من حدود چهارده سال در آن درس به صورت مستمر شرکت می‌کردم.

مدرسه جعفریه را آیت... حاج شیخ غلامحسین تبریزی عبدخداایی بنیان‌گذاری کرده بود. این بزرگوار شخصیت بسیار جلیل‌القدری بود که از تبریز به مشهد تبعید شده و سال‌ها در این شهر ساکن و مورد توجه مردم بود. وی مدرسه‌ای درست کرده بود که بسیار از لحاظ نظم و اداره خوب بود و طلبه‌ها را خیلی راحت راه نمی‌دادند. هر طلبه باید سه سال درس خوانده باشد و وارد اصول و فقه و بلاغت شده باشد. کمی که این‌ها را می‌خواند، با امتحان مختصر وی راه می‌انداختند. حجره‌ها هم همه تک نفره بود؛ یعنی برای طلبه‌ای که درس خوان بود و می‌خواست خودش با خودش باشد، بسیار مناسب بود.

نکته مهم این بود که در ورودی مدرسه بالای در سنگ بزرگی بود و چهار شرط برای کسی که در این مدرسه می‌خواست اسکان کند، گذاشته شده بود؛ یکی این بود که باید مهمان شب خواب نداشته باشیم به جز یک شب. شرط دوم این بود که طلبه‌ای که اینجا ساکن است، حتماً باید تفسیر بخواند و سوم اینکه حتماً باید حدیث بخواند و چهارم فلسفه بخواند. این نوع تقسیم فکری در آن زمان خیلی برجسته نبود.

این مسئله باعث شد که من به دنبال آن باشم که در درس تفسیر شرکت کنم. بنابراین جست‌وجو کردم و دیدم مرحوم میرزا جواد آقا تهرانی در مدرسه میرزا جعفر تفسیر می‌گوید؛ درس تفسیری که به قول طلبه‌ها درس تفسیر رسمی حوزه علمیه بود، یعنی درسی که دقیقاً از شنبه تا چهارشنبه ساعت ۷ صبح برقرار بود.

بندۀ در حد خودم که در سلوک و رفتار و حرکات این شخصیت تأمل می‌کنم، انگار قرآن در ذهن و زبان ایشان حضور عینی داشت؛ یعنی در صفحه ذهن وی تجلی داشت.

کتاب خلافت در پرتو قرآن و سنت استاد شریعتی کتاب بسیار بی‌نظیری است و سه مقاله دارد؛ یکی از آقای مطهری و یکی از فتح... نجف آباد و دیگری از حجت الاسلام شریعتمداری که یکی از شاگردان شهید مطهری بود و هر سه مقاله سبک و سیاق فلسفی و عرفانی دارد.

آیت... میرزا جواد آقا به دکتر نورالیهان از شاگردانش، گفت: این کتاب چقدر کتاب خوبی است. اما او آخرش کمی بحث فلسفی شده است. احتمال می‌دهم که استاد شریعتی این کتاب را چون در حسینیه ارشاد تهران نوشته است، به خاطر حضور شهید مطهری کمی فلسفه و عرفان را نیز اضافه کرده است. دکتر نورالیهان به وی گفت که آن قسمت مربوط به شهید مطهری و شاگردانش است.

ایشان نیز فهمید که چون مطالب این کتاب را با علاقه و سریع خوانده، به اسم نویسنده توجه نکرده است. یکی از فضایل حوزه به بنده گفت که مرحوم میرزای تهرانی این مسئله را صبح همان روز به کسی دیگر هم گفته بود. بنابراین ظهر همان روز هنگامی که آن شخص را دیدم، با یک حالت التهاب عرض خیابان را دویدم و به وی گفتم من اشتباه کردم

● معارف ناب تفسیری استاد

علما در تعریف از روایت تفسیری آرای مختلفی دارند. این مسئله سابق در میان علمای علوم قرآنی مورد بحث قرار گرفته است که چه روایتی را روایت تفسیری بدانیم. آرا و نظرات متفاوت است، اما مشهورترینش این است که روایت باید ناظر به آیه باشد. برخی علمای گفتند که اشکالی ندارد؛ زیرا خود سیره مفسر قرآن است؛ یعنی اگر حدیثی از معصومان (ع) به نوعی بر معارفی از قرآن کریم پرتو بیفشاند و مادر پرتو آن آیه را بفهمیم، این روایت خودش یک نوع روایت تفسیری است. آیت... میرزا جواد آقا تهرانی سنت رسول... (ص) را تفسیر قرآن کریم می‌دانست، مرحوم میرزا بحث مجزایی به عنوان مبادی تفسیری در این زمینه ندارد تا بدانیم وی روایت را تا کجا حجت می‌دانست و چگونه از آن‌ها استفاده می‌کرد؛ ولی نوع فقهی که از روایت دارد، مسئله دیگری است که می‌توان به دست آورد، یعنی وی منتظر نمی‌ماند که روایتی پیدا کند و آن روایت مستقیم کلمه‌ای از آیه را تفسیر می‌کند. اگر معنای روایت به نحوی بر آیه پرتو می‌افکند، به دنبال روایت می‌رفت و از آن روایت در فهم آیه استفاده می‌کرد، یعنی روایت را مستقیم درباره آیه به کار نمی‌برد. از سوی دیگر تأمل و آژگانی وی نیز خوب بود؛ یعنی لغت را کالبدشکافی می‌کرد و با تأمل، معنای دقیق قرآنی آن را که شاید متفاوت با معنای لغوی آن بود، استخراج می‌کرد و در تفسیر از آن بهره می‌برد.

حسن حکیم‌باشی از سال‌های آشنایی‌اش با میرزا می‌گوید

تفسیرش جامع و تحلیلی بود

بعد از مرحوم امام (ع) به دنیا آمد و چند ماه بعد از مرحوم امام (ع) از دنیا رفت و بنده از نزدیک با ایشان حضور و نشر داشتیم. حتی با بعضی بستگان میرزا رفت و آمد خانوادگی داشتیم که به عنوان نمونه با شیخ محمود واله که تقریباً نزدیک‌ترین فرد از نظر سلوک معنوی به ایشان بود و به عنوان شاگرد میرزا مطرح می‌شد، حدود چهار سال رفت و آمد خانوادگی داشتیم. مرحوم واله بسیار فرد مهربانی بود و هر چه داشت، از میرزا داشت.

میرزا از نظر خلوص معنویت و پارسایی انسان بی‌نظیری بود. اساساً این تعبیر را می‌خواهم بگویم که او آدمی در چارچوب انسان‌هایی که ما دیدیم نبود، بلکه چیزی میان انسان و فرشته بود. از نظر تواضع و خلوص و بی‌غلی و غشی و بی‌هوایی یک فرد منحصر به فرد بود. تواضعی که می‌گویم، به این معناست که اصلاً خودش را هیچ نمی‌دید و برابر دیگران مانند خانمش، نوه‌اش، شاگردش و حتی پایین‌تر از این‌ها، با حیوانی که در خانه بود، چنان با محبت و علاقه رفتار می‌کرد که حتی آزارش به موری نرسید. میرزا روزی سبزی می‌خرد، می‌آید تا خانه، ولی برمی‌گردد و سبزی فروش می‌گوید چه شد؟ آیا سبزی خراب بود که پس آورده‌ای؟ او می‌گوید نه، اینجا چند تا مورچه در میان سبزی هست، من ببرم خانه از لانه‌شان دور می‌شوند و شاید نجات پیدا نکنند؛ بنابراین آوردم تا به خانه‌شان برگردند. او تا این حد به مسائل توجه داشت.

می‌دهد و نهایتاً روایاتش را از نظر سند ارزیابی می‌کند. تفسیر ایشان تفسیر تحلیلی و تفسیر جامع بود. تفسیر جامع آن است که لغات را معنی می‌کند، جمله را معنی می‌کند، نظرات تفسیری را می‌گوید، برداشت‌هایی که دیگران کردند را مطرح می‌کند، سپس برداشتی از خودش مطرح می‌کند و آن را با این مبانی می‌سنجد؛ یعنی با مستندات و لغت و تفسیر و اقوال مفسران می‌سنجد. روش میرزا این گونه بود. بنابراین روش تفسیری وی تفسیر تحلیلی، اجتهادی یا تفسیر جامع بود و کاملاً روشمند به روش‌های قدیم بود. اهمیت آن که ایشان به بحث تفسیر می‌داد، بحث مهمی است. در حوزه‌های علمیه ما تفسیر جزو درس‌های اصلی نیست و جزو واجبات شمرده نمی‌شود. نه از لحاظ اینکه به قرآن بی‌اعتنا باشند، بلکه بر این باورند که ارائه آن به شکل درسی ضرورتی ندارد. بنابراین درس تفسیر کم‌و‌کم در حاشیه است، ولی ایشان نه تنها به تفسیر اولویت داد، بلکه آن را به درسی مهم تبدیل کرد.

میرزا برای درس تفسیر، کلاس فقه و اصولش را هم تعطیل کرد، درحالی‌که به تازگی همه علمای دینی مقداری به تفسیر حتی به صورت درسی می‌پردازند. میرزا باهای ویژه داد و این به این دلیل بود که آمدن میرزا علی‌آقای فلسفی به مشهد مقارن با همین ایام بود و درس فقه و اصول وی جافتاد. ایشان از نظر معنوی و انسانی، انسانی بی‌نظیر بود و سه سال

با توجه به آشنایی پدرم با میرزا و همچنین از طریق یکی دیگر از بزرگان مشهد که خیلی با او مرتبط بود و نقش مربی را برای ما داشت و خود او در واقع دست پرورده میرزا بود و علاوه بر این، چون تحصیلاتم با طلبگی شروع شد، از دوران بچگی همراه پدرم با چهره ایشان و فضای درسی ایشان آشنا بودم و چند ماهی در سال ۱۳۵۶ به اقتضای طلبگی در درس تفسیر ایشان شرکت می‌کردم.

در این مدت طبعاً با آثار و کتب میرزا مانند، درس‌هایی از اخلاق اسلامی، و «عارف و صوفی چه می‌گویند؟» هم آشنا شدم و مقداری که تحصیلاتم بیشتر شد، کتاب‌ها و آثار ایشان را دیدم و در حد مختصری استفاده کردم.

آثار ایشان معدود است و مجموعاً شش‌هفت عنوان و به تازگی یک جلد هم درس‌های تفسیر ایشان به چاپ رسیده است. غیر از این، مباحث تفسیری چاپ شده نداریم. البته میرزا در کتاب «درس‌هایی از اخلاق اسلامی» استفاده‌هایی از آیات قرآنی داشته است و کتاب «عارف و صوفی چه می‌گویند؟»، که کتاب مهم ایشان است و کتاب کوچکی هم در بحث مادیگری دارد. نمی‌توان گفت تفسیر میرزا روایی است، چون تفسیر روایی کاری ندارد؛ شخص تفسیر صافی را برمی‌دارد و می‌خواند و توضیح



حسن حکیم‌باشی
عضو هیئت علمی
بزرگساز علوم و
فرهنگ اسلامی